



هیچکس حقی به اندازه حق شهید بر بشریت ندارد

هر انسانی حاضر است برای خود هر کاری انجام دهد اما هرگاه کسی از منیت خود خارج شد و برای دیگران دست به عملی زد او جایگاهی مقدس و ارزشمند دارد.

هر انسانی حاضر است برای خود هر کاری انجام دهد اما هرگاه کسی از منیت خود خارج شد و برای دیگران دست به عملی زد او جایگاهی مقدس و ارزشمند دارد.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: شهادت پایان نیست، آغاز است، تولدی دیگر است در جهانی فراتر از آنکه عقل زمینی به ساحت قدس آن راه یابد. تولد ستاره ای است که پرتو نورش عرصه زمان را در می نوردد و زمین را به نور رب الارباب اشراق می بخشد. شهید منتظر مرگ نمی ماند، این اوست که مرگ را برمی گزیند. شهید پیش از آنکه مرگ ناخواسته به سراغ او بیاید، به اختیار خویش می میرد و لذت زیستن را نیز هم او می یابد نه آن کس که دغدغه مرگ حتی آنی به خود او وانمی گذاردش و خود را به ریسمان پوسیده غفلت می آمیزد.

یکی از مهمترین خصوصیات تعهد معنوی و اصول اساسی، آمادگی برای جانبازی در دفاع از توحید، دین خدا و انسانیت است. سقراط حاضر شد که جان خود را در راه دفاع از این اصل فدا کند و بنابراین، شهید فلسفه خود شد و نتیجه به فیلسوف شهید شهرت یافت. همچنان که آیت الله جوادی آملی در این خصوص می گوید: «وقتی فکر توحیدی به خاورمیانه رسید یونان زودتر و بیشتر از دیگران به فکر توحید افتاد و در این راه شهید داد. سقراط مردم را به توحید دعوت کرد و در همین راه توحید شربت شهادت نوشید بعد افلاطون را تربیت کرد بعد ارسطو را تربیت کرد و بعد این اندیشه توحید از آنجا به جای های دیگر رسید.» نمونه های دفاع جانی از این اهداف، در تاریخ بسیار دور فراوان است. بسیاری از قوانین معاصر، این دفاع را کاملاً قانونی و مشروع می دانند. بعضی از ادیان نیز این گونه جانبازی را هم شهادت معرفی کرده اند. بسیاری از مکاتب سیاسی نیز دفاع از اهداف سیاسی را مقدس و جانبازی در راه آنها را شهادت می دانند. حتی بعضی مکاتب سیاسی کاملاً مادی نیز، به این شهادت معتقد می باشند.

واژه ی شهید یکی از واژگانی است که مقدس شمرده می شود و از خودگذشتگی را به همراه دارد. هر انسانی حاضر است برای خود هر کاری انجام دهد اما هرگاه کسی از منیت خود خارج شد و برای دیگران دست به عملی زد او جایگاهی مقدس و ارزشمند دارد. برای نمونه زندگانی امام علی (ع) سرشار از دیگرخواهی است. او از منیت و خود خواهی دور بوده و در حالی که زندگانی سختی داشتند همواره به دیگران بیشتر از خود اهمیت می دادند. شهیدان نیز خون خود را در راه مبارزه می دهند و سجده بر خاک کربلا به همین دلیل ارزشمند است.

خبرگزاری مهر درصدد است در مجموعه گزارش هایی تحت عنوان «سفر سرخ» به تبیین بیشتر شهادت و مقام شهید و سفر سرخ انسان های متعالی بپردازد. آنچه در ادامه می خوانید قسمت نخست این مطالب است:

شهید مطهری پیرامون «فداست شهید» می گوید: در عرف عام، یعنی عرف عموم مردم جهان اعم از مسلمان و غیر مسلمان، و در عرف خاص مسلمانان، برخی کلمات و واژه ها از نوعی عظمت و احترام و احیاناً فداست برخوردارند. کلمات: عالم، فیلسوف، مخترع، قهرمان، مصلح، مجتهد، استاد، دانشجو، عابد، زاهد، مؤمن، مجاهد، مهاجر، صدیق، آمر به معروف، ولی، امام، نبی از این قبیل کلماتند که بعضی در عرف عام و برخی در عرف خاص مسلمین و در زبان اسلام توأم با نوعی عظمت و احترام و احیاناً فداست می باشند. بدیهی است که کلمه از آن جهت که لفظ است فداستی ندارد، فداست را از معنی خود کسب می کند. فداست برخی معانی و مفاهیم که کم و بیش با تفاوت هایی در همه جوامع و بشری وجود دارد، مربوط می شود به جنبه های خاصی از روانشناسی جامعه ها در زمینه ارزشیابی ها در امور غیر مادی، که خود بحث فلسفی و انسانی عمیقی است. در اسلام واژه فداست؛ ای است که فداست خاصی دارد، اگر کسی با مفاهیم اسلامی و آشنا باشد و در عرف خاص اسلامی این کلمه را تلقی کند احساس می کند که فداست؛ ای از نور این کلمه را فرا گرفته است و آن، کلمه شهید است. این کلمه در همه عرف ها توأم با فداست و عظمت است، چیزی که هست معیارها و ملاک ها متفاوت است. ما فعلاً به مفهوم غیر اسلامی آن کاری نداریم.

از نظر اسلام، هر کس به مقام و درجه شهادت نائل آید که اسلام با معیارهای خاص خودش او را شهید بشناسد، یعنی واقعاً در راه هدف های عالی و اسلامی، به انگیزه برقراری ارزشهای واقعی بشری کشته بشود به یکی از عالی ترین و راقبتی ترین درجات و مراتبی که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود نائل شود نائل می گردد. از نوع تعبیر و برداشت قرآن درباره و

شهدا و از تعبیراتی که در احادیث و روایات اسلامی در این زمینه وارد شده‌اند؛ است می توان منطق اسلام را شناخت و علت قداست یافتن این کلمه را در عرف مسلمانان دریافت.

قرآن کریم در مورد به حق پیوستگی شهید می فرماید: «و لا تحسین الذین الهموا بال احیا عند ربهم یرزقون» - گمان مبر آنان را که در راه حق شهید شده اند مرده اند، خیر، آنها زندگانی هستند نزد پروردگارشان، و متنعم به انعامات او.

در اسلام وقتی که می خواهند مقام کسی یا کاری را بالا ببرند می گویند مقام؛ فلان شخص برابر است با مقام شهید و یا فلان کار اجرش برابر است با اجر شهید، مثلاً درباره طالب علم، اگر واقعاً انگیزه و حقیقت جویی و خدمت و تقرب به خدا باشد و علم را وسیله مطامع خود قرار ندهد، می گویند اگر کسی؛ طالب علم باشد و در خلال دانشجویی و طلبگی بمیرد شهید از دنیا رفته؛ این تعبیر قداست و علو مقام طالب علم را می رساند. همچنین؛ درباره کسی که برای اداره عائله و اش خود را به رنج می افکند و کار می کند و زحمت می کشد که البته این خود یک فریضه است، زیرا اسلام با بیکاری و بیکارگی و کل بر مردم بودن به شدت مخالف است، گفته شده است «الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله». آنکس که برای عائله و اش کار می کند و زحمت می کشد و خود را به رنج می افکند مانند مجاهد در راه خدا است؛.

تمام کسانی که به بشریت به نحوی خدمت کرده اند، حقی به بشریت دارند، از هر راه: از راه علم، از راه فلسفه و اندیشه، از راه صنعت، از راه اختراع و اکتشافات، از راه اخلاق و حکمت عملی، ولی هیچکس حقی به اندازه حق شهدا بر بشریت ندارد، و به همین جهت هم عکس؛ العمل احساس آمیز انسان ها و ابراز عواطف؛ خالصانه آنها درباره شهدا بیش از سایر گروه ها است. چرا و به چه دلیل حق شهدا از حق سایر خدمتگزاران بیشتر و عظیم تر است؟ البته دلیل دارد.

همه گروههای خدمتگزار دیگر مدیون شهدا هستند، ولی؛ شهدا مدیون آنها نیستند یا کمتر مدیون آنها هستند، عالم در علم خود و فیلسوف در فلسفه خود و مخترع در اختراع خود و معلم اخلاق در تعلیمات؛ اخلاقی خود نیازمند محیطی مساعد و آزادند تا خدمت خود را انجام دهند ولی؛ شهید آن کسی است که با فداکاری و از خود گذشتگی خود و با سوختن و خاکستر شدن خود محیط را برای دیگران مساعد می کند.

مثل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است، تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده؛ بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری، شهدا شمع؛ محفل بشریتند، سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل؛ تاریک می ماند هیچ دستگاہی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد. انسان که در روز در پرتو خورشید تلاش می کند و یا شب در پرتو چراغ یا شمع کاری انجام می دهد به همه چیز توجه دارد جز به آنچه پرتو افشانی می کند که اگر پرتو افشانی او نبود همه حرکتها متوقف و همه جنب و جوش ها راکد می شد شهدا پرتو افشانان و شمع های فروزنده اجتماعند که اگر پرتو افشانی؛ آنها در ظلمات استبدادها و استبدادها نبود بشر ره به جایی نمی برد.

قرآن کریم تعبیر لطیفی دارد درباره رسول اکرم که او را سراج منیر چراغ نور افشان می خواند. در این تعبیر مفهوم ظلمت زدائی که توأم با سوختن و روشن کردن است گنجانیده شده است.

می فرماید: «یا ایها النبى انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله بأذنه و سراجا منی را» ای پیامبر تو را فرستادیم گواه و نوید دهنده و بیم رساننده و دعوت کننده به حق به اذن حق؛ و چراغی نورافشان.

آری، کلمه شهید و مفهوم شهید در میان کلمات و مفاهیم اسلامی و در ذهن؛ کسانی که فرهنگشان فرهنگ اسلامی است کلمه؛ ای و مفهومی نورانی و مقدس؛ و از کلمات و مفاهیم دیگر برتر است.